

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: جهاد جلسه هفتاد و نهم تاریخ: ۸۸/۱/۱۵

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خاتم الانبياء

والمرسلين سيدنا ونبينا ابي القاسم محمد وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين سيما بقية الله في الارضين واللعن على اعدائهم اجمعين.

با عرض تبریک برای ولایت حضرت عسکری در ابتدای عرض

حدیثی را از همان حضرت نقل می کنیم که به بحث ما هم مربوط است.

در جلد دوم بحار صفحه ۵، احادیثی در اوایل جلد دوم بحار از تفسیر

حضرت عسکری وجود دارد. کتابی به این نام جزء مدارک بحار است.

برای توضیح بیشتر هم به کتابی که مربوط به تألیفات است، «الذریعة الی

تصانيف الشيعة» می شود مراجعه کرد در مورد کتاب تفسیر حضرت

عسکری علیه السلام. این یکی از مدارک بحار است. در جلد دوم بحار در اولکتاب از این تفسیر احادیثی از پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه: یک-یک ذکر کرده.چند حدیث از حضرت عسکری علیه السلام ذکر کرده، ایشان خبری از امامصادق علیه السلام نقل می کند «قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ عَ عَلَمَاءُ شِيعَتِنَا

مُرَابِطُونَ بِالْبَغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَعَقَارِيثَهُ» علماء شيعه ما مرزبان

و مرزدار هستند در مرزی که در آن طرف آن ابلیس قرار دارد «مُنْعَوُهُمْ

عَنِ الْخُرُوجِ عَلَيَّ ضِعْفَاءُ شِيعَتِنَا» علماء شيعه ما مانع می شوند از این که

ابلیس و عقاریت ابلیس به طرف شيعه ما حرکت کنند «وَعَنْ أَنْ يَسْلُطَ

عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَشِيعَتُهُ النَّوَاصِبُ» علماء شيعه ما مانع هستند از اینکه

ابلیس و شيعه ابلیس و پیروانش که نواصب هستند بر شيعه ما تسلط

پیدا کنند «أَلَا فَمَنْ اتَّصَبَ لِذَلِكَ» آگاه باشید کسی که از علماء شيعه

خودش را برای این کار محیا کرده که مانع شود از این که ابلیس و

عقاریت ابلیس بر شیعیان ما مسلط باشند «كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ

الثَّرْكَ وَالْحَزَرَ أَلْفَ أَلْفِ مَرَّةٍ» فضیلتش بیش از کسانی است که با روم و

خزر بجنگند هزار، هزار مرتبه «لَأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنْ أَدْيَانِ مُجِيبِنَا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ

عَنْ أَيْدَانِهِمْ» برای این که علماء شيعه ی ما از دین محبین ما دفاع می

کنند ولی لشکریان اسلام که با روم و ... می جنگند از ابدان دفاع می

کنند. از این جهت فضیلت علماء شيعه ی ما بر آن ها برتری دارد. چون

این ها مدافع دین هستند و آن ها مدافع ابدان هستند.

بحث ما قبل از تعطیلی ها راجع به «مربطه» بود. مرزبانی و

مرزرداری یکی از لواحق جهاد است از مطالبی است که با جهاد مربوط

است. صاحب جواهر در جلد ۲۱ صفحه ۳۸ در آن جا در شرح عبارت

شرایع «تستحب المرباطه» داشتند که مربوطه مستحب است. مرزرداری

مستحب است. صاحب جواهر بعد از نقل این کلام از شرایع استدلال

کردند که مربوطه واجب نیست. در آن طرف دشمن با نقشه های فراوان،

در عین حال حفظ مرزها واجب نیست. مرز آبی، خاکی، هوایی که یکی

از مطالب مهم این است که باید مرزها محفوظ باشند. کسانی مترصد

باشند در مرزها از حرکت ها و نقشه های دشمن تا این که بدون اطلاع

داخل نشوند « مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذُلُّوا» حضرت امیر

علیه السلام فرمودند: هر قومی که صبر کنند تا دشمن وارد خانه ی آن ها شود

بعد بخواهند با دشمن بجنگند دچار ذلت و مشکلات می شوند. این است

که همیشه لازم است که مرزبانی و مرزرداری برقرار باشد. افراد برای

حفظ مرزها مترصد باشند و کسب اطلاعات از تحرکات دشمن. در این

باره صاحب جواهر در جلد ۲۱ صفحه ۳۸ فرمودند: «تستحب المرباطه تبعاً

للشرايع» بعد گفتند که لا اجد فيه خلافاً که مستحب است. اول به اصل،

اصل برائت. بعد گفتند که اگر ما آیه یا روایتی داشته باشیم که داریم این

ها دالّ بر مدح مربوطه و ثواب مربوطه است. مدح و ثواب اعم از وجوب

است. خلاصه ایشان انکار کردند وجوب مربوطه را. ما بر جواهر اشکال

کردیم و گفتیم که آیاتی در قرآن وجود دارد بر وجوب مربوطه. یکی آیه

۲۰۰ سوره آل عمران [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا] که

این آیه بود که به آن استدلال شده بود و دیگر آیه [وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا

اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ] روایت هم داریم که رباط الخیال،

همان مربوطه است. «اعدوا» واجب است. بعد [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا

حِذْرَكُمْ] اقتضا می کند به این که رعایت احتیاط و بیدار بودن این است

که باید مربوطه برقرار باشد این ها را قبل از تعطیلی بحث کرده بودیم.

چند مطلب را در این باره می خواهم عرض کنم که مطلب ناقص

نباشد؛ یک مطلب این که فقها ما (رضوان الله علیهم) با این که ما به آن

ها به دید احترام می نگریم. این ها در مسائل اجتماعی فقه مسائل را

جدا جدا از هم بحث کردند. مثلاً به وسائل نگاه می کنیم باب رباط چند

روایت است، مفاد این روایات چیست، وجوب و استحباب استنباط می

کند و می نویسد و آن یکی هم هكذا. مسئله مربوطه و مسئله اراضی

موات در بحث انفال، مسئله حدود، مسئله امر به معروف مسائل فراوانی

است که نمی شود جدا جدا بحث کرد. در فقه ما یک امام یا ولی ای

وجود دارد. چون قسمت مهم از فقه ما بدون امام یا سیاستمدار یا

زمامدار غیر ممکن است که حساب شود. جهاد از آنهاست. اگر ما تنها

به این نگاه کنیم که «من احیی ارضا میتة فهی له» در باب اراضی و

انفال، خوب یک نفر پیدا می شود و می رود خیلی از زمین ها را احیا

می کند و یک نفر می بیند که دیگر زمینی در این نزدیکی برای او نمانده.

باید برای احیاء اراضی موات یک برنامه ای باشد و تحت نظر یک فقیه

وظیفه ای داریم؟ این مرزداری است. دشمنان ما در آن طرف مرز ممکن است چند نقشه علیه ما داشته باشند و دارند. یکی مسئله نظامی گری است یکی مسئله فرهنگی است، یکی مسئله اقتصادی و یکی مسئله سیاسی است. اینها مرزهایشان با هم فرق دارد. مرز نظامی گری که اگر حمله از آنجا صورت بگیرد مرز آبی یا خاکی یا هوایی است. بنابراین مرزدارانی که از لحاظ نظامی گری تبصر و آمادگی دارند باید مراقب مرزهای آبی و خاکی و هوایی باشند که دشمن به وسیله نظامی در آنها نفوذ نکند. اما حالا مرزهای فرهنگی و اقتصادی و سیاسی چگونه است؟ در مرز فرهنگی دشمن از راه دریا و هوایی آمدن در آنجا دشمن با مغز و فکر و اندیشه شما کار دارد. دشمن می خواهد به وسیله نقشه ها در افکار و اندیشه شما اثر بگذارد. بنابراین آن یک مرز و نقشه جداگانه دارد، شناخت و مرزدار جداگانه دارد. این خیلی مسئله است و خطر مرز فرهنگی خیلی بالاتر از مرز نظامی است. دشمنان اسلام چند قرن است که روی این مسئله کار می کند. این هم مسئله مرزداری نسبت به مرز فرهنگی. مرز سیاسی، دشمن سعی می کند که نفوذ کند از راه سیاست آن هم یک راهی دارد در سیاستمداران و در گردانندگان مملکت تأثیر می گذارد، افکار آنها را عوض می کند که آنها طوری سیاست را عوض می کنند که به نفع دشمن می شود. مرزهای اقتصادی، دشمن سعی می کند از راه اقتصاد، دشمن سعی می کند از راه ثروت و منابع ثروت و تولید ثروت و توزیع ثروت نفوذ کند و برای جلوگیری از این راه دیگری وجود دارد که کارشناسان در امور اقتصادی باید مطالعاتی کنند و نباید اقتصاد یک کشور اسلامی تحت سیطره دشمنان اسلام قرار بگیرد.

حضرت امیر علیه السلام در آن نامه ای که به مالک اشتر نوشتند و مالک اشتر را اعزام به مصر کردند نمی گویند که مالک به آنجا برود و مسئله بگویند می فرمایند «وَأَلَّاهُ جَبَايَةَ خَرَاجِهَا وَجِهَادَ عَدُوِّهَا وَاسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَعِمَارَةَ بِلَادِهَا» یعنی این شخصی که به آنجا می رود از چند جهت باید کار کند: اولاً اینکه مالیات را جمع آوری کند و هزینه ای تأمین شود دوم «جِهَادَ عَدُوِّهَا» سوم تعلیم و تربیت به وجود بیاورد و همه افراد احتیاج به تعلیم و تربیت و ارشاد و فرهنگ دارند. چهارم «عِمَارَةَ بِلَادِهَا». بنابراین ما می خواهیم عرض کنیم که در تتمه بحث قبل که درباره مرز نظامی (آبی، خاکی و هوایی) بحث کردیم می خواهم عرض کنم کسی که درباره مرزهای بحث می کند درباره مرز فرهنگی که دشمن چه نقشه هایی درباره نفوذ در افکار و اندیشه و فکرها دارد شناخت اینها و دیده بانی و مرزداری از اینها این لشکر دیگری می طلبد «عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ بِالْبَعْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَّارِيئَهُ» این است که در شأن

یا امام معصوم صورت بگیرد و بر اساس آن برنامه حق تجبر بوجود بیاید، احیاء به وجود بیاید. یا مثلاً در باب حدود، این حدود را اجرا کننده ای می خواهد و او باید ریشه یابی کند که چطور می شود که این جنایت به وجود می آید تا این حدود انجام بگیرد از ریشه بایستی خشک شود، تا این جنایات صورت نگیرد. خیلی از بحث های فقهی ما این طور است. جهاد از این باب است یک مطلبی نیست که بنده یا شما اینجا نشسته باشیم و فکر کنیم راجع جهاد و وباط، جهاد یک مسئول و زمامداری می خواهد، یک سیاستمدار می خواهد، اطلاع از حالات و نقشه های دشمن می خواهد، تجهیزات باید در داخل صورت بگیرد تا بتوانیم در برابر دشمن بایستیم. بنابراین ما نمی توانیم بگوییم مرابطه مستحب است. هزار سال بیشتر است که فقهای ما می گویند مرابطه مستحب است، فرق می کند. گاهی دشمن نزدیک مرز است در اینجا ما دیگر نمی توانیم بگوییم مستحب است. مرز مثل در خانه است وقتی که دشمن پشت در باشد بستن در واجب است نمی توانیم بگوییم بستن در مستحب است که در این صورت دشمن داخل می شود. منظور بنده این است که ما نمی توانیم این جور مسائل فقهی را جدا از سیاست و ولی فقیه و زمامدار و امام معصوم علیه السلام حساب کنیم. این مسائل باید زیر نظر او باشد گاهی بله واجب است، گاهی مستحب است. وجوبش در چه حدی است. چه اشخاصی در آنجا باشند اینها حساب نشده. اشکال ما به این است که این قبیل مسائل اجتماعی فقهی که در کتب فقهی ما مستقل، منفک از ولایت و سیاستمدار و ولی حساب شده درست نیست.

امام (رضوان الله علیه) در جلد ۴۵ از دفتر تبیان که ۵۰ جلد است دفتر تبیان متصدی جمع آوری بیانات امام به صورت دسته بندی شده است. جلد ۴۵ مربوط به ولایت فقیه است، ایشان می فرمایند: کسانی که این طور مسائل را جدا حساب می کنند پیراه می روند. چون معلوم است دیگر در اسلام جهاد مسئول دارد. اگر جهاد تعطیل باشد که نمی شود ذلت و سقوط است. باید جهاد باشد. حالا به دست چه کسی و نظر چه کسی باید باشد؟ که قبلاً گفتیم یا امام معصوم یا قائم مقام امام معصوم. رباط هم یکی از لواحق و ملحقات جهاد است. بنابراین ما نمی توانیم رباط را تنها حساب کنیم. و بگوییم رباط مستحب است. باید ببینیم دشمن در چه حالی است. گاهی واجب می شود گاهی اوجب واجبات می شود.

مطلب دوم این است که رباط یعنی مرزداری و سنگرداری در مرز و نوار مرزی و متوجه باشند که در آن طرف مرز دشمنان ما چه نقشه هایی دارند و ما در برابر، اولاً اینکه به داخل اعلام کنیم و ثانیاً چه

القیامه یوضع ثلاثة کراسی من ذهب احمر يتلألو منها الجمع فیجلس ابراهیم رضی الله عنه علی واحد فیها و اجلس انا علی الاخر و بقی واحد منها فیوتی بابی بکر فیجلس علیه ثم ینادی منادی یا طوی لصدیق بن حبیب و خلیل» حدیث ششم و آخرین حدیث «عن ابن عباس قال رسول الله ﷺ اذا کان یوم القیامة جمع الله الاولین والآخرین یوتی بمنبر من النور فینصب احدهما عن یمین العرش و الآخر عن یساره و یعلو شخصان فینادی» دو نفر می آیند نسبت به این منبر «فیناد الذی عن یمین العرش... من عرفنی فقد عرفنی و من لم یعرفنی فانا رضوانُ خازن الجنة ان الله امرنی ان اسلم مفاتیحها الی ابی بکر و عمر». کلید بهشت را به این دو نفر می دهد «لیدخل محببهم الجنة الا فاشهدوا ثم یناد الذی عن یسار العرش... من عرفنی فقد عرفنی و من لم یعرفنی فانا مالک خازن النار ان الله امرنی ان اسلم مفاتیحها (مفاتیح بهشت و جهنم) الی محمد و محمد امرنی ان اسلمها الی ابی بکر و عمر فیدخلان مبغضیها النار الا فاشهدوا». این قبیل احادیث در این کتاب وجود دارد. این کتاب در سال ۸۵ در قم چاپ شده. حالا ببینید که دشمن از چه راه هایی نفوذ می کند. البته بنده نمی خواهم عرض کنم که با آن کتابفروش یا آنها که چاپ کردند چه کنید بلکه بنده می خواهم عرض کنم که وضع این چنین است و در قم یک این چنین کتابی که می گوید شیعیان را «فاقتلوهم فانهم مشرکون» چاپ می شود. این است باید مرزها را در نظر گرفت ما مرز آبی و خاکی و هوایی داریم که آن درباره ی نظامی گری است. مرز فرهنگی داریم، مرز سیاسی داریم و مرز اقتصادی که باید مسلمان ها مجهز باشند و تمام مرزها را در نظر بگیرند و برای همه ی این ها مرزبان و دیده بان لازم است تا جهاد به صورت کامل صورت بگیرد. این بحث مرابطه بود. با توفیق پروردگار این بحث تمام شد. یکی از بحث های جهاد بحث سبق و رمایه است ما وارد این بحث می شویم. برای این که در اسلام مسلمانان همیشه در برابر دشمن مجهز باشند یکی از مقدماتی که لازم است و در فقه ما بحث شده همین بحث است. در جلد ۲۸ جواهر است. اخبارش هم در جلد ۱۳ وسائل است. برای شروع عرض می کنم. در جلد ۲۸ جواهر صفحه ۲۱۲ بحث سبق و رمایه. محقق مثل سایر فقها «و فائدتها» فائده سبق و رمایه «بعث العزم و تهیئه علی الاستعداد للقتال» فائده سبق و رمایه آن است که افراد اراده کنند و تصمیم بگیرند و مهیا باشند برای قتال در برابر دشمن. که این ها هم سوارکاری و هم تیراندازی را کاملاً یاد بگیرند. البته این ها از لحاظی که در آن روز مرکب اسب بوده با این که در این بحث صاحب جواهر دارند که الاغ و دیگر مرکب ها هم هستند و سلاح جنگی هم تیر و شمشیر بوده. ولی بر حسب

ماست طلبه ها و علما. مرز سیاسی که باید کاملاً شناخته شود که اگر دشمن بخواهد از راه سیاست نفوذ کند... مرز اقتصادی... لازم بود که این بحث را ما انجام داده باشیم.

در بحث جهاد که با توفیق پروردگار در حوزه علمیه قم به این شکل صورت می گیرد یک مسئله ای بود که بنده خیلی متأثر شدم و می خواستم در اینجا به مناسبت همین بحث عرض کنم. چند روز قبل شخصی کتابی برای بنده آورد -حالا ببینیم که اگر مرز فرهنگی رعایت نشود چه پیش می آید- این کتابی است به نام «شرف النبی و معجزاته» در تاریخ ۱۳۸۵ در قم چاپ شده. به تألیف «عبد الملک نیشابوری» که سنی است ولی مصحح آن سید حسین رضوی قمی. انتشارات سلسله، قم خیابان ارم پاساژ قدس. این کتاب کلاً ۵۴۰ صفحه است. عربی است و ترجمه هم دارد. حالا چند حدیث از این کتاب را بخوانیم تا ببینیم که مرز داری به چه صورتی باید باشد. در صفحه ۲۹۰ آمده «عن علی بن ابی طالب رضی الله عنه لا تُفَضِّلُونی علی ابی بکر و عمر» مرا نسبت به این دو نفر تفضیل ندهید. از اینها بالاتر ندانید «الا و من فضلنی علیهما» کسی که مرا بر اینها برتر معرفی کند «فقد افری و الله لأجلدن» به خدا هر کسی که مرا بر این دو نفر برتر معرفی کند تازیانه می زخم. حدیث بعدی «عن علی بن ابی طالب رضی الله عنه یخرج فی الآخر الزمان قوم یقال لهم الرافضة ینتحلون شیعتنا و لیسوا بشیعة» می گویند که ما شیعه ایم ولی شیعه نیستند «آیه ذلک» آیت آن قوم این است که «یسبون ابوبکر و عمر فاذا رایتم فاقتلوهم فانهم مشرکون» اینها شیعه ی ما نیستند علامتش این است که ابوبکر و عمر را لعن می کنند. ما می گویم وهابی ها اعلام قتل ما را داده اند آن وقت کتابی در قم چاپ شده که در آخر الزمان قومی به نام رافضه که علامتشان این است که ابوبکر و عمر را سب می کنند. «فاذا رأیتم فاقتلوهم». حدیث سوم «عن ابی هریره قال خرج رسول الله ﷺ فی اصحابه ذات یوم» روزی پیغمبر با اصحابشان خارج شدند «فتقدم رجل امام ابی بکر» یک نفر از او جلو افتاد «قال رسول الله ﷺ مهلاً تمشی امام من هو خیر منک و الله ما طلعت الشمس علی احد بعد النبیین خیر من ابی بکر و الله ما کتب محمد فی السماء رسول الله الا و علی اثره ابوبکر صدیق». حدیث چهارم «ابن ابی کعب قال سمعت رسول الله ﷺ یقول جانی جبرئیل رضی الله عنه فذکر امر عمر بن خطاب فقلت: یا جبرئیل اخبرنی عن فضائل عمر و ماذا له عند الله قال یا محمد لو جلست معک قدر ما لبس نوح مع قوم لن استطع اخبرک عن فضائل عمر و ما له عند الله ثم و قال یا محمد ﷺ لیبکی الاسلام بعد موتک علی موت عمر». حدیث پنجم «ابوسعید خدری قال سمعت رسول الله ﷺ اذا کان یوم

زمان این ها ابزارند. شارع مقدس حکمش را می گوید و بر اساس ازمنه ابزار فرق می کند. بنابراین یاد گرفتن تمام مرکب هایی که به وسیله ی آن ها جنگ صورت می گیرد مستحب است و به کار گرفتن و یاد گرفتن تمام سلاح ها و ابزارهایی که در جنگ و جهاد به کار گرفته می شود لازم است. و "رمایه" یک معامله است در معامله معلوم است که یک نقل و انتقالی است. ما دو نفر با هم قرار می گذاریم شما اسب داری من هم اسب دارم این ها را در یک میدانی می تازانیم، هرکدام که جلوتر رفت از آن یکی مثلاً صد هزار تومان ببرد. این یک معامله ای است وقتی که این معامله واقع شد و عمل محقق شد بنده از شما مثلاً صد هزار طلبکار هستم یا عیناً یا دیناً. همین طور در تیراندازی که یک هدفی قرار می دهیم بعد به طرف آن هدف تیر می اندازیم و هرکس که برنده شد مثلاً فلان مقدار باید از دیگری بگیرد. خلاصه این عقدی است که ایجاب و قبول می خواهد، عملاً یا این که قولاً و باعث می شود که وقتی عقد محقق شد نقل و انتقالی به این ترتیب صورت بگیرد و طلب و بدهکاری باشد. این بحث را با دو آدرسی که عرض کردم مطالعه کنید. بقیه انشاءالله برای فردا